هنرمندی که آثارش را قربانی می‌کند!



سعید میرازیی، هنرمند نقاشی که مدتی است آثارش را در خیابان‌های تهران به نمایش می‌گذارد و نام این پروژه‌اش را «خیابان_نمایشگاه» گذاشته است. او علت این کار را گسترده شدن دایره مخاطبان خود و همچنین اعتراض به فضای انحصاری هنر و یک چالش شخصی برای قربانی کردن آثارش عنوان کرده است.

او آثارش را روی دیوارهای شهر می‌چسباند و سپس در صفحه شخصی خود در اینستاگرم به مخاطبانش توصیه می‌کند که پیش از آنکه تخریب شوند فرصت برای دیدن هست. او بر این باور است از آنجا که روح و جسم میلیون‌ها انسان هر روز تخریب می‌شوند و نقاشی‌های او نیز از این قاعده مستثنی نیستند، چرخه ساختن، تخریب و ساختن را تنها راه چاره‌اش می‌داند و با این نگاه همچنان کار خود را ادامه می‌دهد.

میرازیی در استیتمنت پروژه‌اش می‌نویسد «یا آثارم باید در آتلیه خاک می‌خوردند و نابود می‌شدند یا در خیابان؛ انتخاب من خیابان بود، چون نقاشی برای آنان بود. برای همین تصمیم گرفتم تا مدتی هر پنجشنبه یک نقاشی را به صورت دائم به یکی از دیوارهای شهر بچسبانم... تا پیش از آنکه تخریب شوند، فرصت است برای دیدنشان ... .»

میرازیی در گفت‌وگویی با ایسنا درباره علت این کار خود، توضیح می‌دهد: به طور کلی فکر می‌کنم وقتی هنرمندی آثارش را در گالری به نمایش می‌گذارد، عموما افرادی آثار را می‌بینند که از دوستان و آشنایان هنرمند هستند یا از طریق واسطه‌های آن هنرمند را می‌شناسند؛ در واقع دایره مخاطبان نمایشگاه محدود است و به عنوان مثال همانند سینما نیست که مخاطبان گسترده‌تری داشته باشد. اما در خیابان_نمایشگاه ما با طیف گسترده‌تری از انسان ها سر و کار داریم که امکان مواجه با یک نقاشی در گالری را ندارند یا به عبارتی طیف مخاطب فقط طبقه متوسط شهرنشین نیست، بلکه از کارمندی که به اداره می‌رود تا یک کارتن‌خواب یا کودکان کار را نیز در بر می‌گیرد.

او با بیان اینکه «در این میان به شخصه دوست دارم طیف گسترده‌تری از انسان‌ها آثارم را ببینند»، ادامه می‌دهد: از سوی دیگر گالری‌ها نیز تمایلی به نمایش آثار من نداشتند، چراکه فروش آنها تضمین‌شده نبودند و یا در مقوله هنری که آنها تعریف می کنند نبود. مافیای هنر در حوزه گالری‌ها و برگزاری‌های نمایشگاه‌های هنری موضوع گسترده‌تری است که در نوع خودش باعث می‌شود بسیاری از هنرمندان راه به گالری‌ها نداشته باشند و به همین خاطر سرخورده شوند و خود را کنار بکشند یا بپذیرند که قالب بازار را بپذیرند. این روند به همین نحو ادامه پیدا می‌کند؛ تا جایی که که به اختگی هنر معاصرمان می‌رسیم که هیچ کارکردی جز تزیین دیوار خانه بورژواها ندارد. پیکاسو می‌گوید هنر برای تزیین دیوار خانه بورژوا نیست.

این هنرمند همچنین در پاسخ به این پرسش که آیا می‌خواهد با نمایش آثار خود در خیابان‌های به سمت هنرهای خیابانی و مردمی پیش برود، می‌گوید: درست است که هنر گرافیتی نیز مردمی است و در خیابان‌ها به نمایش گذاشته می‌شود، اما یکی از مشخصات اصلی گرافیتی تکثیرپذیری آن است. هنرمند گرافیتی طرحی دارد که ممکن است آن روی چندین دیوار به نمایش می‌گذارد. این در حالی است که آثاری که من روی دیوارها به نمایش می‌گذارم، یک نقاشی و در واقع کار تَک است و با از بین رفتنش نسخه دومی ندارد.

او اضافه می‌کند: بسیاری از من خواستند که نسخه کپی کارها یا کارهایی که حداقل برای خودم کم ارزش‌تر هستند را به خیابان ببرم، اما مسئله این بود که من مدت‌ها با خودم جنگیدم تا اصل کارها را برای ایده‌ای که در سر دارم قربانی کنم و دلم نمی‌خواست تاریخ این قضاوت را درباره من بکند که کارهای ضعیفش را برای مردم به خیابان آورد.

میرزایی همچنین درباره چالش های این پروژه می‌گوید: انتخاب نقاشی که این هفته به قربانگاه خواهد رفت از بین نقاشی‌هایم اولین چالش من است. بعد از پیدا کردن دیوار مناسب و مساله تخریب و موضوعی که اخیرا با آن برخورد کرده‌ام این است که بعضی علاقه دارند کار بر دیوار خانه خودشان باشد تا از آن لذت ببرند؛ به همین خاطر در اتیکتی که کنار نقاشی می‌چسبانم یک جمله اضافه کرده‌ام که «این اثر تحت مالکیت عمومی قرار دارد.»

میرزایی یادآور می‌شود: هدف من صرفا به نمایش گذاشتن نقاشی در خیابان‌ها نیست؛ بلکه یک پروژه است که از خلق اثر تا تخریب شد و مسائل پیش‌بینی نشده آن را در برمی‌گیرد. در واقع تخریب شدن کار نیز بخشی از این ایده است. طبیعتا تخریب شدن آثارم به هر نحوی ناراحت‌کننده است، اما وقتی اثری را به خیابان می‌برم، به از بین رفتن آن چه توسط انسان‌ها و چه باد و باران نیز فکر می‌کنم؛ اگرچه که تاکنون تمام تخریب‌ها انسانی بوده‌اند.

کانادا برندگان جوایز ادبی گاورنر جنرال خود را معرفی کرد

یکی از قدیمی‌ترین و معتبرترین جوایز ادبی کانادا که با عنوان گاورنر جنرال شناخته می‌شود، برندگان ۲۰۱۹ خود را در دو بخش ادبیات انگلیسی زبان و ادبیات فرانسوی زبان معرفی کرد.اواخر سه‌شنبه برندگان جوایز ادبی معتبر گاورنر جنرال (جی‌جی‌بوکس) توسط شورای هنرهای کانادا معرفی شدند.بعد از یک پروسه طولانی، کمیته‌های بررسی، بهترین کتاب‌های کانادایی را در هفت بخش مختلف هم به زبان فرانسوی و هم به زبان انگلیسی انتخاب کردند.

در بخش انگلیسی زبان، کتاب «پنج همسر» نوشته جوآن توماس موفق به کسب جایزه بهترین اثر در بخش داستانی شد. کتاب‌های «وحشی مقدس» نوشته گوئن بن‌اوی بهتری اثر بخش شعر و «آن سوی بازی» نوشته آماندا پریس بهترین اثر بخش درام شدند.

در بخش غیرداستانی، کتاب «به سمت رودخانه: از دست دادن برادرم» نوشته دان گیلمور موفق به کسب جایزه شد. در بخش ادبیات جوانان دو جایزه یکی در بخش متن و دیگری در بخش کتاب‌های مصور اهدا شد که این دو به ترتیب به کتاب «روی آسمان بایست» نوشته ارین بو و «کوچک در شهر» نوشته سیدنی اسمیت رسیدند.

در نهایت در بخش ترجمه از فرانسوی به انگلیسی هم لیندا گابوریو به خاطر ترجمه «پرندگان هم‌نوع» نوشته وجدی موواد موفق به کسب جایزه شد.

در بخش فرانسوی‌زبان، کتاب «کاغذ سفید» اثر سلین هویگبارت جایزه بهترین اثر داستانی را از آن خود کرد. در بخش شعر، کتاب «تاندون و استخوان» نوشته آن-ماری دمولِه به عنوان اثر برتر شناخته شد. در بخش درام هم «سرپناه» میشکا لاوین برنده جایزه شد.

آن-ماری وواسار با کتاب «حق قدرتمندان: آسیب ما، منفعت آن‌ها» توانست عنوان بهترین اثر غیرداستانی را به خود اختصاص بدهد. در بخش ادبیات جوانان، «آلباتروس» دومینیک دمرس برنده بخش متن و «جک و زمان از دست رفته» استفانی لاپوینت و دلفین کوت-لاکروا برنده بخش کتاب مصور شدند. در نهایت، جایزه بهترین ترجمه از انگلیسی به فرانسوی به کاترین لرو برای ترجمه کتاب «ما که هیچ بودیم» نوشته مدلین تین رسید.سیمون برول مدیر عامل شورای هنرهای کانادا در بیانیه‌ای گفت: «بسیار خوشحالم که چنین تعداد زیادی از نویسندگان، تصویرگران و مترجمان که خیلی از آن‌ها خانم هستند توانسته‌اند امسال از طریق برتری آثارشان خود را متمایز کنند. هرگز در تاریخ جوایزمان تا این برنده خانم نداشته‌ایم. من استعداد آن‌ها را تحسین می‌کنم.»جوایز کتاب گاورنر جنرال یا فرماندار کل کانادا که سال ۱۹۳۶ تاسیس شد یکی از قدیمی‌ترین و معتبرترین جوایز ادبی کانادااست و روی هم رفته سالانه ۴۵۰ هزار دلار جایزه توزیع می‌کند. شورای هنرهای کانادا از سال ۱۹۵۹ تا به حال مسئول اجرا و ترفیع این جوایز بوده است.



کمیته‌های همتای تخصصی تمام جوایز را اهدا می‌کنند و امسال برای بخش انگلیسی زبان، آثاری که بین روزهای اول سپتامبر ۲۰۱۸ و سی‌ام سپتامبر ۲۰۱۹ منتشر شده‌اند و برای بخش فرانسوی زبان، آثاری که بین روزهای اول جولای ۲۰۱۸ و سی‌ام ژوئن ۲۰۱۹ منتشر شده‌اند را در نظر گرفتند.هر برنده ۲۵ هزار دلار دریافت می‌کند و ناشر اثر او هم ۳ هزار دلار برای انجام فعالیت‌های تبلیغی کتاب می‌گیرد.

منیرالدین بیروتی و نقد «نقد ادبی»

این حرف ها «کلیشه‌ای» است



منیرالدین بیروتی با بیان این‌که «نقد ادبی نداریم» حرفی کلیشه‌ای است می‌گوید: این فرهنگ در بین ما ایرانی‌ها جا افتاده که حرف‌های اصیل را قدیمی‌ها گفته‌اند و ما به حرف‌های نو نیازی نداریم و تنها کاری که می‌توانیم انجام دهیم این است که بر حرف‌های اصلی حاشیه بنویسیم.

این داستان‌نویس و منتقد ادبی درباره نقد ادبی و جایگاه آن در ادبیات ایران اظهار کرد: این‌که می‌گویند نقد ادبی نداریم، حرفی کلیشه‌ای است اما کسی نمی‌آید ابتدا نقد را برای ما تعریف کند که منظور از نقد چیست و بعد بگوید نقد چه جایگاهی دارد. ما در مملکتی زندگی می‌کنیم که اصولا نقد هیچ جایگاهی ندارد؛ این صرفا درباره ادبیات و کتاب هم نیست.

او سپس گفت: متأسفانه یک فرهنگ بد داریم که از قرن ششم و بعد از مصیبت هجوم مغول شکل گرفته است، این‌که حرف‌های اصیل را قدیمی‌ها گفته‌اند و ما به حرف‌های جدید نیازی نداریم. هرچه حرف نو بوده دیگران در قرن‌های پیش گفته‌اند و تنها کاری که ما می‌توانیم انجام دهیم این است که بر آن‌ها حاشیه بنویسیم و آن‌ها را توضیح بدهیم. متأسفانه این توضیح دادن و باور این‌که نمی‌توانیم حرف‌های نو بزنیم و حرف‌های نو قبلا زده شده و تنها کاری که می‌توانیم انجام دهیم، شرح دادن حرف‌های اصلی است، به باور عمومی ما تبدیل شده و در فرهنگ‌مان رسوخ کرده است. چیزی که ما نامش را نقد می‌گذاریم در واقع بازمانده همان باورهاست؛ یعنی شرح و توضیح حرف‌هایی که قبلا زده شده است. کتابی را که در راستای آن صحبت‌ها باشد بالا می‌بریم و اگر در راستای آن‌ها نباشد زمین می‌زنیم و خردش می‌کنیم و نامش را هم می‌گذاریم نقد. این در همه شاخه‌های زندگی‌مان نیز وجود دارد اما نمودش در ادبیات بیشتر است.

این داستان‌نویس در ادامه بیان کرد: اگر خیلی لطف کنیم دو سه نظریه از این و آن می‌خوانیم، اما چهارچوپ فکری‌مان همان است. ما نمی‌خواهیم چیزی از نو خلق کنیم چون باورش نداریم، یا در مسائل بیهوده و پوچ‌گرایی می‌افتیم و یا اگر اهل معنا باشیم اعتقادمان این است که همه حرف‌ها زده شده است. یا این‌وری هستم یا آن‌وری، عادت‌مان این است یا از این‌ور بیفتیم یا از آن‌ور. این در باورهای ما رسوخ کرده است و تا زمانی‌که آن را نشکنیم و جهانی نو نسازیم قطعا نقدی که مدنظرمان است اتفاق نمی‌افتد و ریشه هم نمی‌گیرد.

او همچنین خاطرنشان کرد: کسی که می‌خواهد نقد بنویسد، قطعا باید جور دیگر دیدن را یاد بگیرد. اگر مانند قدیم بخواهد همان متونی را که داشتیم ببیند و مفسرشان باشد، اتفاقی نمی‌افتد. جوهره همان جوهره است و فقط ابزار عوض می‌شود.

بیروتی درباره جلسات نقد و بررسی کتاب‌ها نیز گفت: جلساتی که به عنوان نقد برگزار می‌شوند، خیلی خیلی کم‌اند و آدم‌های خیلی کمی آن‌ها را دنبال می‌کنند. یک کتاب مجموعه‌ای از داده‌هایی است که در جامعه وجود دارد. نویسنده این داده‌ها را می‌گیرد و آن‌ها را ترکیب و به یک اثر تبدیل می‌کند. منتقد کارش این است که این ترکیب‌ها را تجزیه کند و دلایل این ترکیب‌ها را بگوید؛ مثلا بگوید چرا در این دوره خاص این اجزا ترکیب شده است. منتقد به شما می‌گوید چه لزومی داشت در این دوره خاص کتابی توسط این نویسنده نوشته شود. این مرحله اول نقد است. متأسفانه چنین باور و نگاه‌هایی در جامعه نداریم و یا این‌که به شدت محدود است که گم و گور شده و به چشم نمی‌آید.

او در ادامه اظهار کرد: عمده جلسه‌هایی که می‌بینیم جلسات کارگاهی هستند و انگار باید بد و خوب یک کتاب را بگویند و در نهایت می‌خواهند کتاب ر ا معرفی کنند تا یک‌سری آن را بخرند. در واقع این جلسات به نوعی تبلیغ کتاب است تا کتاب به فروش برود. اما دلایل شکل گرفتن کتاب، این‌که چرا نویسنده در این دوره خاص مجبور شده چنین چیزی بنویسد و دلایل را تجزیه و تحلیل کنند، اتفاق نمی‌افتد تا ما از طریق خواندن یا شنیدن این دلایل به یک باور برسیم و از طریق این‌که چرا داستانی در این موقعیت خلق شده به تجزیه و تحلیل جامعه برسیم. ما کتاب می‌نویسیم که دیگران بخوانند و بهتر زندگی کنند، کتاب نمی‌نویسیم که بخوانند و به‌به و چه‌چه کنند و زندگی‌مان روز به روز بدتر شود. چیزی که الان اتفاق افتاده است.

بیروتی درباره ریویوهای ادبی که به عنوان نقد ادبی منتشر می‌شوند هم گفت: من سال‌هاست روزنامه و مجلات ادبی نمی‌خوانم؛ با به دلیل تنبلی، یا این‌که آن‌قدر خواندم و دیدم چیزی در آن نیست و دیگر ادامه ندادم؛ پس واقعیت این است که از این‌ها بی‌خبرم. اما فکر می‌کنم نوشته‌ها هم مانند جلسات ادبی هستند. وای به حال مملکتی که ادبیاتش بشود مافیا و وای به روزی که نویسنده‌ها به خاطر غم نان قلم‌شان را بفروشند.

نکوداشت محمد نیک برگزار می‌شود

مراسم پاسداشت نیم قرن فعالیت ادبی محمد نیک، پیشکسوت شعر و عضو شورای شعر انجمن ادبی رضوی بارگاه حضرت ثامن الحجج توسط مدیریت انجمن‌های ادبی خراسان رضوی در مشهد برگزار می‌شود.

حمید عشقی، مدیر انجمن‌های ادبی استان خراسان رضوی در این زمینه اظهار کرد: مشاهیر و مفاخر علم و ادب و هنر در هر جامعه‌ای آئینه‌ای از میراث تمدن و فرهنگ آن جامعه محسوب می‌شوند و این خطه از میهن اسلامی در طول تاریخ مهد علما و دانشمندان، ادبا و بزرگان بوده است که آوازه نام‌شان در جای جای این جهان مشهود است و بزرگداشت مشاهیر و بزرگان گامی در جهت تقویت فرهنگ و شعر و ادب فارسی است و اولین تجربه در همین راستا تجلیل و نکوداشت یکی از فعالان ادبی و پیشکسوت عرصه شعر خراسان، محمد نیک در دستور کار قرار گرفت.

او افزود: در همین راستا در گام دوم تجلیل، همزمان با رویداد فرهنگی نمایشگاه بین‌المللی کتاب مشهد مقدس مراسم نکوداشت استاد محمدنیک به پاس نیم قرن فعالیت مستمر در شعر با حضور مدیران فرهنگی استان و شاعران مطرح خراسان رضوی و علاقه‌مندان به حوزه شعر و ادب در زادروز ایشان (دهم آبان‌ماه) ساعت ۱۶ در سالن همایش‌های نمایشگاه برگزار می‌شود.

عشقی همچنین با اشاره به شخصیت محمد نیک به‌عنوان یکی از چهره‌های شاخص شعر آیینی و انجمن‌های ادبی خراسان بیان کرد: متولیان فرهنگی می‌توانند با پاسداشت، حداقل کاری در شأن و مقام بزرگان فرهنگی و ادبی انجام دهند. انجمن‌های ادبی فرصتی مغتنم و مناسب برای به بار نشستن استعدادهای ادبی «شعر و داستان» هستند و غالباً محیطی را فراهم می‌کنند که برخی نیازهای دوران ابتدایی شروع شعر گفتن و نویسندگی از جمله توجه، ارتقای عزت و اعتماد به نفس، مهم شمردن، دیده و شنیده شدن و تربیت تفکر انتقادی و اندیشه منطقی پاسخگو باشد.

در معرفی محمد نیک عنوان شده است: محمد نیک خورمیزی متولد آبان‌ماه ۱۳۲۹ در محله نخریسی مشهد است که در کودکی با قرآن آشنا شد و به همراه پدرش که شاعر و مداح اهل بیت (ع) بود، در محافل ادبی و مذهبی شرکت می‌کرد. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و آشنایی با شعر بزرگانی چون سعدی و حافظ، در ۱۲ سالگی سرودن شعر را آغاز کرد. او پس از اخذ دیپلم ریاضی در مشهد و گذراندن خدمت سربازی در شیراز، در بانک سپه مشغول به کار شد و با پست ریاست یکی از شعبه‌های این بانک، به بازنشستگی رسید. بیش از ۵۰ سال به کار سرودن شعر مشغول است و در انجمن‌های ادبی فرخ، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی و انجمن ادبی رضوی مشهد حضوری فعال دارد. به سبب درک محضر شاعران بزرگ خراسانی و نیز حضور فعال این چهره ادبی در بیشتر انجمن‌ها و محافل شعر و ادب خراسان و همراهی با جوانان شاعر و بیان منش و رفتار بزرگان شعر خراسان برای جوانان و نیز برپایی و مدیریت انجمن‌های ادبی گوناگون از جمله انجمن کمال ادب که محل حضور و تعامل پیشکسوتان و نسل جوان شعر خراسان است او را صندوقچه خاطرات و راوی شعر خراسان می‌توان نامید.

از آثار محمد نیک می‌توان به این موارد اشاره کرد: اولین اثر مستقل او «هرگز گلی را پرپر نکردم» است که به چاپ رسیده است. کتابی نیز با نام «السلام علیک یا خورشید» در دست چاپ دارد. آثار محمد نیک بارها در مطبوعات کشور به چاپ رسیده و از رادیو و تلویزیون پخش شده است. او همچنین در کنگره‌های مختلف ادبی شرکت داشته است.

اخبار

انتشار داستان عاشقانه ای از زندگی پروین اعتصامی

فیلم‌نامه سینمایی «گل‌سر» به قلم سیروس همتی و لیلا نوری روانه بازار کتاب شد.

داستان این فیلم‌نامه با روایتی عاشقانه همراه است. رحمان دلدادده سابق چیمن، نوازنده قرمنی که خانواده‌اش از قربانیان حملات شیمیایی سردشت است در حالی که خود از عوارض ناشی از این حملات به شدت بیمار شده است، روبرو می‌شود. رحمان در زمان حملات با حمایت مالی عمویش از ایران خارج شده و مبدل به یکی از تاجران ثروتمند در حوزه تولید عطر شده است و از علاقه‌مندان به موسیقی. او حالا به بهانه دیدار دوباره با چیمن سعی دارد تا گروه موسیقی که او در آن می‌نوازد را برای اجرای یک برنامه به لندن ببرد که این اقدام چندان با موافقت چیمن همراه نیست.

این فیلم‌نامه اثری است متشرک به قلم سیروس همتی و لیلا نوری که با اقتباسی آزاد از زندگی و آثار پروین اعتصامی تالیف شده است.

آنچه از زندگی پروین در این اثر می‌توان ردیابی کرد حلول تنهایی و اندوه یک زن تنها و نیز حس و حال هنری حلول کرده او در این فضای ویژه است و در کنار آن بهره‌مندی از برخی اشعار او در دل متن. چیمن در مقام یک هنرمند حسی از تنهایی و در عین حال هنرمندی را به مخاطب خود منتقل می‌کند که علاقه‌مندان به ادبیات فارسی پیش از این رگه‌هایی از آن را در سرگذشت‌نامه پروین اعتصامی نیز خوانده‌اند.

فضای این فیلم‌نامه کوتاه فضای یک درام عاشقانه آرام است، با این همه نویسندگان تلاش قابل اعتنایی به خرج داده‌اند تا بتوانند به دل شخصیت‌های این اثر راه پیدا کرده و تصویری قابل باور و مبتنی بر شخصیت‌پردازی منطقی از تک تک آنها ارائه کنند. در این میان تصویری که متن از رحمان و چیمن و نیز بهروز و مادرش به عنوان دو عضو گروه موسیقی ارائه می‌کند، تصویری پخته و قابل اعتناست.

این فیلم‌نامه بیشتر از هر چیز از یک قصه قابل توجه استفاده می‌کند، داستانی که قرار نیست با تعلیق خود مخاطب را به خود جلب کند، بلکه هدفش انتقال حس و تحریک زیباشناسی عاطفی مخاطب خودش است و با همین حربه نیز مخاطب را با خود همراه می‌سازد. شاید به همین دلیل نیز فیلم‌نامه در قالب یک متن کوتاه منتشر شده است و نویسندگان آن تلاش نداشته‌اند تا داستان و حس موجود در آن را در قالب یک قصه پرتعلیق به دید مخاطب بنشانند. آنچه در این فیلم‌نامه مورد توجه است ترسیم شخصیت‌های داستانی و تلاش برای ترسیم و ساخت چهره‌ای جذاب و قابل اعتنا از آنها در قالب یک فیلم‌نامه و حضور دادنشان در یک میزانسن سینمایی است که به نظر می‌رسد بتوان نمره قابل قبولی از این حیث به این متن داد.

انتشارات کتاب نیستان فیلم‌نامه «گل‌سر» را در ۶۰ صفحه با قیمت ۱۴۰۰۰ تومان منتشر شده است.

ثبت نام از ناشران و کتابفروشان برای۷ نمایشگاه استانی

در ماه آذر استان های فارس، خراسان جنوبی، همدان، جنوب کرمان، کرمانشاه. گلستان و سمنان از ناشران سراسر کشور میزبانی می کنند.ناشران و کتاب فروشان استانی برای ثبت نام در این نمایشگاه‌ها می توانند از امروز(۹ آبان) تا ۱۸ آبان ماه به پایگاه اطلاع رسانی موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران به آدرس www.icfi.ir مراجعه و ثبت‌نام نمایند.

نمایشگاه‌های کتاب فارس(شیراز) از ۳ تا ۸ آذر، خراسان جنوبی (بیرجند) ۳ تا ۸آذر، همدان ۱۱ تا ۱۶ آذر، جنوب کرمان(جیرفت) ۱۱ تا ۱۶ آذر، گلستان(گرگان) ۱۹ تا ۲۴ آذر، کرمانشاه ۱۹ تا ۲۴ آذر و سمنان(سمنان) ۲۷ آذر تا ۲ دی برگزار می شوند.

یاد آور می شود ناشران و کتاب فروشان استانی تا پایان روز ۱۸ آبان می توانند برای حضور در این نمایشگاه ثبت‌نام کنند.

انتشار سه اثر داستانی تازه از ابراهیم حسن بیگی

کتاب داستان کشتی یونانی، انتظار در کلبه هور و خانه بومیان کیش نوشته ابراهیم حسن بیگی روانه بازار کتاب شد.این کتاب‌ها درباره یکی از مراکز دیدنی و گردشگری جزیره کیش است.حسن بیگی در مورد کتاب های در حال چاپش گفت: جان بخشی به اشیاء و دادن هویت داستانی به انها در ادبیات داستانی کودکان باعث میشود تا آن شی جزیی از خاطرات کودکان شود. این کار دقیقا همان کاری است که فیلم سازان کودک در ساخت برخی از فیلم های کارتونی می کنند. من در این سه قصه سه نماد از نمادهای جزیره کیش را که گردشگران بسیاری را به خود جذب می کند انتخاب کردم. مثلا کشتی یونانی ۵۰ سال است که تبدیل به یکی از نماد های کیش شده. گردشگر دوست دارد بداند که این کشتی چرا اینجاست؟ من کاری به این چرایی نداشته ام. نخواسته ام تاریخ بگویم. من قصه‌ای برای این کشتی ساخته ام که هیچ ربطی به آن ندارد. قصه من برای کشتی یونانی قصه من است. اما خواننده کودک را وارد ماجراهایی می کند که فکر می کنم کودکان می توانند با آن و با کشتی ارتباط بیشتری بگیرند. با آدم های بد و خوب داخل کشتی آشنا شوند و در نهایت کشتی یونانی تبدیل به شخصیت و هویتی می شود که محصول تقابل بین خوبی و بدی است.

کتاب کشتی یونانی و انتظار در کلبه هور توسط خانم زینب السادات بدری و خانه بومیان کیش را اقای حسین پاکروان تصویری کرده است.

هر سه کتاب توسط نشر ابراهیم در۱۰۰۰ نسخه و با قیمت ۱۵ هزارتومان عرضه شده است.

اخبار

افتتاح کافه کتاب و ایستگاه مطالعه در استان هرمزگان

بر اساس اعلام دبیرخانه هفته کتاب استان هرمزگان در بیست و هفتمین هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران دیدار با پیشکسوتان و اهالی فرهنگ استان هرمزگان، بازدید و اهدای کتاب به مدارس و روستاهای کم‌برخوردار و محروم استان، رونمایی و نقد و بررسی نویسندگان استان و افتتاح و راه‌اندازی کافه کتاب و ایستگاه مطالعه در سطح شهر را در این دوره از هفته کتاب برگزار خواهد کرد.

همچنین برگزاری نشست‌های کتاب‌خوانی، کتاب‌گردی در کتاب‌فروشی‌های سطح شهر با حضور اهالی فرهنگ و هنر استان، برگزاری نمایشگاه کاریکاتور کتاب و افتتاح کتابخانه خلاق در شهرستان بشاگرد از دیگر برنامه‌ای این استان است.

بیست و هفتمین دوره هفته‌ی کتاب جمهوری اسلامی ایران با شعار «حال خوش خواندن» از تاریخ ۲۳ تا ۳۰ آبان ماه در سراسر کشور برگزار می‌شود.

مراسم یادبود «مظاهر مصفا» در تهران

مراسم یادبود «مظاهر مصفا» روز دوشنبه برگزار خواهد شد.

علی مصفا – بازیگر، کارگردان و فرزند این شاعر و مصحح پیشکسوت که روز چهارشنبه از دنیا رفت، درباره مراسم یادبود او گفت: روز دوشنبه (۱۳ آبان‌ماه) از ساعت ۱۶ تا ۱۸ در هتل لاله مراسم یادبودی برای پدرم برگزار می‌شود.

به گفته او، روز جمعه ۱۰ آبان از ساعت ۱۲ تا ۱۲:۳۰ میدان معلم در شهر تفرش برای مراسم تشییع او در نظر گرفته شد.

مظاهر مصفا زاده ۱۳۱۱ در تفرش استاد دانشگاه، شاعر و مصحح معاصر بود که روز چهارشنبه (۸ آبان ماه) در ۸۷ ساگی از دنیا رفت.او سال‌های متمادی به‌عنوان استاد تمام رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه به خدمت مشغول بود.

مظاهر مصفا یکی از قصیده‌سرایان زبان فارسی در دوره معاصر به‌شمار می‌آید که تاکنون چند مجموعه شعر از این استاد ادبیات فارسی به‌چاپ رسیده است که از آن میان می‌توان به «ده فریاد»، «سی سخن»، «توفان خشم»، «سپیدنامه» و «سی‌پاره» اشاره کرد .تصحیح «دیوان سنایی»، «کلیات سعدی» ،«دیوان ابوتراب فرقتی کاشانی»، «مجمع‌الفصحاء از رضاقلی‌خانی هدایت»، «دیوان نزاری قهستانی» و«جوامع‌الحکایات عوفی» از جمله آثار پژوهشی و ادبی دکتر مظاهر مصفا است.

دیدار و گفت‌وگو با منوچهر انور

یکصد و هفتاد و پنجمین نشست از سلسله جلسات صبح پنجشنبه مجله بخارا به مناسبت انتشار کتاب «زبان زنده» تالیف منوچهر انور به او اختصاص یافته که از ساعت ۹ صبح پنجشنبه (نهم آبان) با حضور محمدرضا اصلانی، مهدی سالاری‌نسب، بهرام پروین گنابادی و علی دهباشی در خانه گفتمان شهر برگزار می‌شود. کتاب «زبان زنده» حاصل هم‌نشینی ، تاملات و پژوهش‌های نیم قرن نویسنده در مقام مترجم، ویراستار و نویسنده است. «زبان زنده» کتابی است که در واقع به نثر فارسی و فراز و فرودش از مشروطه تا به امروز می‌پردازد و نمونه‌هایی را مورد بحث قرار می‌دهد.خانه گفتمان شهر (وارطان) در میدان فلسطین، ضلع جنوبی طالقانی غربی، پلاک ۵۱۴ واقع است.

«ترمیناتور» خارج از گیشه رکورد زد

شرکت پارامونت پیکچرز برای دومین هفته متوالی با فیلم «ترمیناتور: سرنوشت تیره» در صدر لیست استودیوهایی قرار گرفت که برای تبلیغ فیلم‌های‌شان بیشترین خرج می‌کنند. بین روزهای بیست‌ویکم تا بیست‌وهفتم اکتبر، تبلیغاتی که برای این فیلم علمی‌تخیلی در رسانه‌های مختلف صورت گرفت روی هم رفته ۷.۸ میلیون دلار ارزش داشت. برای این فیلم ۱۰۷۱ بار در سراسر ایالات متحده و ۳۶ شبکه مختلف تبلیغ شد. پارامونت در شبکه‌هایی از جمله سی‌بی‌اس، فاکس و ان‌بی‌سی و همچنین برنامه‌هایی از جمله فوتبال آمریکایی ان‌اف‌ال، بسکتبال ان‌بی‌ای و حتی سریال «واکینگ دد» تبلیغ کرد. فیلم «بازی کردن با آتش» محصول پارامونت در رتبه دوم قرار گرفت. این فیلم در سراسر ۳۰ شبکه مختلف ۹۹۶ تبلیغ ملی داشت که ارزش رسانه‌های آن حدود ۴.۹۴ میلیون دلار تخمین زده می‌شود.تبلیغات تلویزیونی برای فیلم «فورد در برابر فراری» ساخته استودیوی فاکس قرن بیستم معادل با ۴.۳۳ میلیون دلار بود تا آن را در رتبه سوم قرار بدهد. بعد از آن هم «میانه راه» ساخته لاینزگیت با ۳.۸ میلیون دلار و «آخرین کریسمس» ساخته یونیورسال پیکچرز با ۳.۶۶ میلیون دلار قرار گرفتند.تخمین زده می‌شود که تبلیغ‌های فیلم «ترمیناتور» بیش از ۳۹۶ میلیون بار دیده شده باشند که به این ترتیب «امتیاز توجه» این فیلم ۹۳.۳۵ می‌شود. امتیاز توجه نشان می‌دهد که مصرف‌کنندگان تا چه حد به تماشای یک تبلیغ تلویزیونی می‌نشینند و چقدر آن را قطع می‌کنند. هر چقدر که امتیاز توجه یک فیلم بالاتر باشد یعنی تبلیغات آن کامل‌تر مشاهده شده است. کارهایی که پخش تبلیغ را مختل می‌کنند شامل عوض کردن کانال، جلو زدن تبلیغ یا خاموش کردن تلویزیون می‌شوند. تخمین زده می‌شود که تبلیغات ملی «بازی کردن با آتش» بیش از ۲۵۳ میلیون بار دیده شده باشند و امتیاز توجه آن ۹۵.۴۰ باشد. «فورد در برابر فراری» هم به طور تخمینی توانست بیش از ۱۷۸ میلیون بازدید برای تبلیغاتش کسب کند و امتیاز توجه ۹۶.۰۶ داشته باشد. میزان بازدید و امتیاز توجه «میانه راه» و «کریسمس آخر» به ترتیب ۲۰۹ میلیون بازدید و ۹۴.۱۰ و ۲۴۰ میلیون بازدید و ۹۶.۶۵ بود.